

نیازهای زنان سرپرست خانوار

کبری واعظی^۱، جواد طلسمچی یکتا^۲

۱- kvaezi3000@gmail.com

۲- mearaj313@vatanmail.ir

چکیده

مقدمه: با توجه به اینکه در سال‌های اخیر با روند رو به رشد شمار زنان سرپرست خانوار مواجه بوده‌ایم، دغدغه نگاه ویژه به مسائل زنان سرپرست خانوار و شناسایی نیازهایشان امری لازم و ضروری می‌نماید. بنابراین مطالعه حاضر با هدف شناسایی نیازهای زنان سرپرست خانوار انجام گرفت. **روش:** مطالعه کیفی حاضر بر روی ۱۹ زن سرپرست خانوار و با استفاده از مصاحبه نیمه ساختار یافته و با روش نمونه‌گیری هدفمند در سال ۱۳۹۵ انجام شد. داده‌ها به روش تحلیل محتوا تجزیه و تحلیل شد. **یافته‌ها:** نیازهای شناسایی شده زنان سرپرست خانوار بر اساس تجارب مشارکت کنندگان عبارت بودند از: نیازهای اقتصادی، مهارت‌های مدیریت خانواده، نیازهای آموزشی و نیازهای روانی-اجتماعی. **نتیجه‌گیری:** با توجه به یافته‌های این مطالعه می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که زنان سرپرست خانوار دارای نیازهای گوناگونی هستند که عدم تأمین هر کدام از این نیازها بر سایر جنبه‌های زندگی آنان تأثیر می‌گذارد. شناخت ابعاد گوناگون نیازهای زنان سرپرست خانوار این امکان را فراهم می‌نماید که سازمان‌ها، نهادها و به طور کلی افرادی که با این گروه از زنان در ارتباط قرار دارند، درک صحیح‌تری از نیازهای آنان داشته باشند و با رویکردی جامع به رفع نیازهای آنان بپردازند.

کلیدواژه‌ها: نیاز، زنان سرپرست خانوار، تحلیل محتوا.

۱- مقدمه

توسعه اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد اصلی فرآیند توسعه بیانگر کیفیت نظام اجتماعی در راستای رسیدن به عدالت اجتماعی، افزایش کیفیت زندگی و ارتقای کیفیت و توانمندسازی افراد به ویژه گروه‌ها و اقشار ضعیف و در معرض آسیب است. زنان سرپرست خانوار از جمله این قشرهای آسیب‌پذیر هستند که در سراسر جهان، چه در کشورهای توسعه و چه در کشورهای در حال توسعه رشد فزاینده‌ای داشته‌اند (هورل^۳ و کریشان^۴، ۲۰۰۶: ۲). در ایران نیز طی سال‌های اخیر با روند رو به رشد زنان سرپرست خانوار مواجه بوده‌ایم، از این رو دغدغه نگاه ویژه به مسائل فرا روی این زنان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نقش سرپرستی خانواده توسط مادران به ویژه در کشورهای در حال توسعه از مسائل مهم است. مدیریت روزانه خانواده توسط یک والد به تنهایی کاری بسیار دشوار و همراه با مسائل متعدد مالی و معنوی است. زنان سرپرست خانوار اغلب با کاهش درآمد، تغییرات نقش، مشکلات متعدد برای فرزندان و مسائلی از این قبیل رو به رو هستند (خسروان و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۲). تحقیقات صورت گرفته نشان می‌دهند که امروزه ۶۰ درصد زنان در جهان نان آور خانه هستند و ۳۷/۵ درصد

^۱ - کارشناس ارشد مددکاری اجتماعی

^۲ - کارشناس مددکاری اجتماعی

^۳ - Horrell

^۴ - Krishnan

خانوارهای جهان را زنان سرپرستی می‌کنند. شاخص‌های آماری نشان می‌دهند که رشد زنان سرپرست خانوار در ایران نیز در حال افزایش است (تاتینا بلداجی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰). طبق سرشماری سال ۱۳۹۰ از ۲۱ میلیون خانوار موجود در کشور، ۲ میلیون و پانصد خانوار زن سرپرست هستند. به عبارت دیگر در سال ۱۳۹۰ سهم خانوارهای زن سرپرست نسبت به سال ۱۳۸۵ از ۹,۵ درصد به ۱۲,۵ درصد افزایش یافته است. دلایل عمده افزایش زنان سرپرست خانوار در ایران به دلیل فوت همسر و طلاق است (پایگاه تحلیل خبری خانواده و زنان، ۱۳۹۳). بر مبنای تعریف سازمان بهزیستی، زنان سرپرست خانوار زنانی که هستند که بدون حضور منظم یا حمایت یک مرد بزرگسال، سرپرستی خانواده خود را به عهده دارند. سرپرست خانواده به کسی اطلاق می‌شود که مسئولیت اداره اقتصادی خانواده را به دوش دارد و تصمیم‌گیری‌های عمده و حیاتی توسط وی اتخاذ می‌شوند (مؤمنی‌زاده، ۱۳۹۳: ۹۶). زنان سرپرست خانوار را می‌توان به شکل زیر دسته‌بندی کرد: زنان مطلقه؛ زنان بیوه؛ زنانی که همسرانشان از کار افتاده یا بیکار است؛ زنانی که همسران معتاد دارند و هزینه زندگی به عهده خودشان است؛ زنانی که همسرانشان در زندان به سر می‌برد؛ زنانی که همسرانشان برای یافتن شغل یا به هر دلیل دیگری مهاجرت نموده‌اند و آنان عهده‌دار مسئولیت زندگی هستند (محمدپور و عزیزاده، ۱۳۹۰: ۱۶۸). سهم اشتغال ناچیز زنان در ایران و پایین‌تر بودن اشتغال زنان سرپرست خانوار به دلیل کم-سواد، فقدان آگاهی، اعتماد بنفس پایین و نداشتن مهارت‌های شغلی و اجتماعی آن‌ها را در چرخه فقر قرار داده است، به طوری که این زنان انواع فشارها و آسیب‌های جسمی، روانی و اجتماعی را متحمل می‌شوند. این در حالی است که زنان سرپرست خانوار با نیازهای بیشماری مواجه هستند که تأمین این نیازها در شرایطی که سهم اشتغال آنان بسیار پایین است؛ دشوار می‌نماید. سخن گفتن از سابقه نیاز بسیار دشوار است. انسان از لحظه تولد تا زمان مرگ نیازهایی دارد و این نیازها با توجه به دوره و شرایطی که در آن قرار می‌گیرد متفاوت است. در نگاه عامه، ماهیت انسان در نیازهای اقتصادی، عادی و مشترک درک شده است. کندی (۱۹۹۰) بیان می‌کند که نیازهای انسان، تنها اقتصادی نیستند بلکه نیازهایی فراتر از نیاز اقتصادی وجود دارد که همانا احساس نیاز افراد به سوی رشد و پیشرفت اجتماعی است (الچ، ۱۹۹۱: ۵-۷). نیاز، یک مفهوم عمومی است که در زمینه‌های مختلف کاربردهای وسیعی دارد و بر حسب مورد، تعاریف متعددی از آن ارائه شده است. این تعاریف اگر چه یک نوع مفهوم یا احساس مشترک را نشان می‌دهد، با این وجود از منظر و ابعاد مختلف ارائه شده است. نیازها از شرایط وجودی انسان سرچشمه می‌گیرند. انسان موجودی است که در اصل وجود و در ادامه و بقای حیات خود، نیازمند است. در واقع این شرطی بودن طبیعت انسان و زندگی است که مفهوم نیاز را مطرح می‌سازد (شجاعی، ۱۳۸۶: ۸۸).

بررسی پیشینه مطالعاتی حاکی از اهمیت موضوع زنان سرپرست خانوار و پرداختن به مسائل آنان است. چنانکه فوا^۱ (۲۰۰۰) در مطالعه خود این نتیجه دست یافت که یکی از صفات متمایز زنان سرپرست خانوار فقر است، فقر پنهان که در تمام ابعاد زندگی این زنان ریشه دارد. همچنین نتایج اشاره بر این نکته داشت که زنان سرپرست خانوار در وضعیت آموزشی مناسبی نیستند که همین امر فرزندان آنان را نیز در معرض چالش قرار می‌دهد و شایسته است حساسیت و نگرانی ساسیت‌گزاران در این مورد افزایش یابد (فوا، ۲۰۰۰). نتایج مطالعه گندتور و تاکورجا^۲ نیز نشان داد که زنان سرپرست خانوار از برنامه‌های مختلف تکاملی که آنان را به سمت رشد و پیشرفت هدایت سازد؛ آگاه نیستند، بنابراین نهادهای اجتماعی و مؤسسات آموزشی باید زمینه آگاه‌سازی این زنان را فراهم سازد. همچنین زنان سرپرست خانوار از سطح سواد بسیار پایینی برخوردارند، از این رو لازم است برنامه‌های آموزش بزرگسالان برای این گروه در نظر گرفته شود (گندتور و تاکور جا، ۲۰۰۳). نتایج مطالعه هالید و اکتر (۲۰۱۱) نیز حاکی از آن بود که بیسواد، نیازمندی و سکونت در اقامتگاه‌های روستایی بر میزان فقر این زنان افزوده است. نتایج مطالعه حسینی و همکاران (۱۳۸۸) حاکی از آن بود

^۱ - Illich

^۲ - Fuwa

^۳ - Gandotra and Thakur Jha

که ۷۷٪ از زنان سرپرست خانوار از سلامت روان برخوردار نبوده و تنها ۲۳٪ از آن‌ها از سلامت روان کامل برخوردار بوده‌اند. نتایج پژوهش همچنین تأکید بر این داشت که زنان سرپرست خانواری که مدت زمان بیشتری از حمایت‌های دولتی سازمان بهزیستی بهره‌مند بوده‌اند، از سلامت روان بیشتری برخوردارند. شریفی و همکاران (۱۳۸۹) در مطالعه خود با عنوان تعیین عوامل مؤثر در تحقق خودکفایی زنان سرپرست خانوار به این نتیجه دست یافتند که مجموعه گسترده‌ای از متغیرها در دستیابی زنان به خودکفایی مؤثر است که در چند عامل اصلی شامل دارایی‌ها و سرمایه‌های انسانی و فیزیکی، دسترسی و حمایت‌های اجتماعی خلاصه می‌گردد. همچنین نتایج نشان داد که بیمه اجتماعی بیشترین تأثیر را در تحقق خودکفایی زنان سرپرست دارد. مومنی زاده (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای تحت عنوان تحلیل مقایسه‌ای در خصوص زنان سرپرست خانوار به این نتیجه دست یافت که خانوارهای زن سرپرست در مقایسه با خانوارهای مرد سرپرست در دهک‌های پایین درآمدی قرار دارند به گونه‌ای که بیش از ۷۱ درصد خانوارهای زن سرپرست در ۵ دهک اول قرار دارند در حالی که فقط ۷/۶۶ درصد خانوارهای مرد سرپرست در این دهک جای گرفته‌اند و این امر حاکی از سطح بالاتر فقر در بین خانوارهای زن سرپرست است. به طور کلی زنان سرپرست خانوار از موقعیت اقتصادی-اجتماعی متفاوتی نسبت به مردان سرپرست خانوار برخوردار هستند که این ناشی از شرایطی است که دسترسی به منابع را برای زنان سرپرست خانوار دشوار ساخته است. همچنین فقدان مهارت، سطح سواد پایین و به تبع آن اشتغال در مشاغل کم درآمد زنان سرپرست خانوار را با مشکلات بیشتری مواجه ساخته است. ذکر این نکته حائز اهمیت است که اغلب مطالعات داخلی با تمرکز بر نیاز اقتصادی زنان سرپرست خانوار صورت گرفته است در حالی که از شناخت سایر نیازهای آنان غفلت شده است.

با توجه به اینکه نیازهای زنان سرپرست خانوار گسترده و دارای اهمیت می‌باشند، به طوری که اگر نیازهایشان شناسایی گردد و به گونه‌ای صحیح هدایت شود، زمینه مشارکت همه جانبه آنان در در جامعه ممکن خواهد شد و بدین طریق در مسیر در توانمندسازی قرار می‌گیرند. بنابراین مطالعه حاضر با هدف شناسایی نیازهای زنان سرپرست خانوار انجام گرفت.

۲- مبانی نظری

در پژوهش‌های کیفی، نظریه‌ها نقشی الهام بخش و مکمل گونه دارند و برای ایجاد حساسیت نظری جهت کمک به باز بودن ذهن محقق نسبت به مسائل و مقوله‌های مورد پژوهش، تدوین سوالات عمومی تحقیق به کار می‌رود (محمدپور، ۱۳۹۰: ۲۹۰). بر این اساس اشاره‌ای مختصر بر عمده‌ترین نظریات جامعه‌شناختی و روانشناختی در ارتباط با مفهوم نیاز خواهیم داشت. طبقه‌بندی‌های گوناگونی از مفهوم نیاز صورت گرفته است. از دیدگاه فروید انسان موجودی است انباشته از غرایز و نیازهای زیستی؛ به طوری که انگیزش انسان کلامبتی بر یک نوع انرژی تعریف شده است که برخاسته از نیازهای بافت بدن است. برخی دامنه نیازهای انسان را قدری توسعه داده و معتقدند که در انسان دو گونه نیاز دیده می‌شود: نیازهای زیستی^۱ و نیازهای روانی^۲. از نظر موری نیازهای انسان به شرح زیر است: خواری طلبی؛ پیشرفت؛ پیوندجویی؛ پرخاشگری؛ خودمختاری؛ مقابله؛ خویشتن‌یابی؛ دنباله‌روی؛ سلطه‌گری؛ نمایش؛ آسیب‌گریزی؛ تحقیرگریزی؛ مهرورزی؛ نظم؛ بازی؛ طرد؛ شناخت حسی؛ میل جنسی؛ مهرطلبی؛ فهم (شجاعی، ۱۳۸۶: ۹۰-۹۲). مازلو نیازهای انسان را به صورت سلسله مراتبی در پنج طبقه مشتمل بر نیازهای فیزیولوژیکی، ایمنی، عشق و محبت، عزت نفس و خودشکوفایی جای داده است. علاوه بر نیازهای زیستی و روانی، محققان نیازهای دیگری را نیز در انسان شناسایی کرده‌اند که به بعد معنوی انسان و ارتباط با خدا، مربوط است. یونگ نیازهای معنوی را به عنوان جنبه‌هایی از سلامت انسان در نظر گرفته است (شجاعی، ۱۳۸۶: ۹۲). از دیدگاه بردشاو^۳ (۱۹۷۲) انواع نیازها عبارت‌اند از: ۱- نیاز اصولی؛ که توسط

۱ - Biological needs

۲ - Psychological needs

۳ - Bradshaw

متخصص یا افراد حرفه‌ای مشخص می‌گردد. ۲- نیاز احساس شده^۱؛ که همان خواسته‌های مددجوست. ۳- نیاز ابراز شده^۲؛ هنگامی است که نیاز احساس شده با اقدام در برآوردن نیاز همراه باشد. ۴- نیاز مقایسه‌ای^۳؛ هنگامی است که افراد در صورتی نیازمند محسوب می‌شوند که خود را با دیگرانی که در شرایط بهتر قرار دارند مقایسه کنند (زواره‌ای، ۱۳۸۶: ۲۷ / انجمن بهداشت اجتماع خاورمیانه، ۲۰۰۹: ۱). در طبقه‌بندی دیگری، نیازهای انسان به این صورت طبقه‌بندی شده است: ۱- نیاز به امنیت؛ ۲- نیاز به تنوع و تغییر؛ ۳- نیاز به معنا و مفهوم؛ ۴- نیاز به عشق و ارتباط؛ ۵- نیاز به رشد و پیشرفت؛ و ۶- نیاز به همکاری و مساعدت (لایف کوچینگ، ۴). در میان جامعه‌شناسان کرج، کراچفیلد و بلاکی نیازهای همبستگی با دیگران و نوع دوستی (کرج و همکاران، ۱۳۷۷: ۶۵-۶۶)، وایت نیازهای تعلق و دوستی، عدالت و استقلال و وابستگی (وایت، ۱۹۶۹: ۱۳۵) زوپ نیازهای امنیت، مورد تأیید واقع شدن و آزادی (رحیمی‌نیک، ۱۳۷۴: ۶۰-۶۱) و گیدنز نیازهای امنیت و اعتماد (گیدنز، ۱۳۷۰: ۱۰۰-۱۰۵) را به عنوان مهم‌ترین نیازهای اجتماعی برشمرده‌اند.

۳- روش

مطالعه کیفی حاضر با روش تحلیل محتوا انجام شد. در این روش به طور مستقیم اطلاعات از مشارکت کنندگان مورد مطالعه بدون تحمیل طبقات از پیش تعیین شده و یا دیدگاه‌های نظری قبلی کسب می‌گردد. دانش تولید شده در این روش بر اساس دیدگاه واحد و منحصر به فرد مشارکت کنندگان و از ادهای واقعی متن می‌باشد. به عبارت دیگر، در این روش کدها و طبقات به طور مستقیم و به صورت استقرایی از داده‌های خام استخراج می‌گردند (سیرتی نیر و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۳).

در این مطالعه که در سال ۱۳۹۵ انجام شد، مشارکت کنندگان ۱۹ نفر از زنان سرپرست خانوار تحت پوشش بهزیستی و دارای تجربه طلاق بودند. نحوه دسترسی به نمونه‌ها از طریق همکاری کلینیک مددکاری اجتماعی معراج در شهرستان بندرانزلی میسر شد. معیارهای ورود به این مطالعه شامل: تحت پوشش بهزیستی بودن، داشتن تجربه حداقل ۲ سال سرپرست خانوار، مطلقه بودن و رضایت به شرکت آگاهانه در پژوهش. در این مطالعه سعی شد نمونه‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و با حداکثر تنوع از نظر وضعیت اشتغال، تنوع سن و میزان تحصیلات و تعداد فرزندان انتخاب گردند. ویژگی‌های جمعیت شناختی شرکت کنندگان در جدول ۱ آمده است.

جدول (۱): ویژگی‌های جمعیت شناختی مشارکت کنندگان

متغیرهای زمینه‌ای	طبقات	تعداد پاسخگویان
گروه‌های سنی	۲۰-۳۰ ساله	۴ نفر
	۳۰-۴۰ ساله	۸ نفر
	۴۰-۵۰ ساله	۷ نفر
وضعیت اشتغال	شاغل	۱۱ نفر
	غیر شاغل	۸ نفر
تحصیلات	پایین‌تر از دیپلم	۱۲ نفر
	دیپلم و بالاتر	۷ نفر

1 - Normative Need

2 - Felt Need

3 - Compressed Need

4 - Comparative Need

افراد تحت تکفل	۲-۱ نفر	۹ نفر
	۴-۳ نفر	۷ نفر
	بیشتر از ۴ نفر	۳ نفر

به منظور جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. فرآیند گزینش نمونه‌ها تا رسیدن به اشباع اطلاعات ادامه پیدا کرد. مدت انجام مصاحبه‌ها بین ۳۰ الی ۵۰ دقیقه بود. مکان انجام مصاحبه‌ها اتاق مددکاری «کلینیک مددکاری اجتماعی معراج» در شهرستان بندر انزلی بود. با اجازه شرکت کنندگان مصاحبه‌ها ضبط و بلافاصله بعد از اتمام مصاحبه، به صورت متن پیاده شد و با روش گرینهایم و لاندمن (۲۰۰۴) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. آگاهی از اهداف و اهمیت تحقیق، رضایت آگاهانه در تحقیق، تأکید بر حفظ اسرار شرکت کنندگان و انتخاب اسامی مستعار به منظور حفظ رازداری از اصول اخلاقی رعایت شده در این پژوهش است. همه روش‌های علمی علی‌رغم قواعد، اصول و نظم خاصی که در جمع‌آوری و تفسیر داده‌ها به کار می‌برند، سعی در کسب نتایج معتبر پژوهشی دارند. از این رو ارزیابی اعتبار و پایایی یافته‌های پژوهشی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است (لکومپت^۱ و گوتس^۲، ۱۹۸۲: ۳۱). درگیری طولانی مدت و مستمر ذهنی با داده‌ها افزایش وسعت اطلاعات و عمق اطلاعات را امکان‌پذیر نمود. تحلیل مقایسه‌ای و مستمر، خلاصه‌سازی و دسته‌بندی اطلاعات بدون اینکه داده‌ها آسیب ببینند، تأمین کننده فرآیند اعتبار داده‌ها در این پژوهش بود. برای اطمینان از هماهنگی بین کدهای به دست آمده با تجارب مشارکت کنندگان از روش بازنگری مشارکت کنندگان استفاده شد. به این ترتیب که یافته‌ها در اختیار مشارکت کنندگان در پژوهش قرار گرفت و پس از بازنگری آنان هر جا که لازم بود، تغییراتی اعمال گردید.

۴- یافته‌ها

یافته‌های حاصل از نیازهای زنان سرپرست خانوار در قالب کدهای اولیه، طبقات اصلی و درن‌مایه‌ها مشخص گردید که در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول شماره (۲): جدول مفاهیم و مقولات نیارهای زنان سرپرست خانوار

طبقات اصلی	کدهای اولیه
فرزندان	مهارت ایفای نقش‌های چندگانه، مهارت‌های فرزندپروری، پاسخگویی به نیازهای چندگانه فرزندان، ازدواج
مهارت‌های مدیریت خانواده	
نیاز آموزشی	داشتن سواد کافی، آگاهی پیرامون بهداشت فردی و مسائل زنانه، آموزش مستمر و پایدار، مهارت حل مسأله، مقابله با استرس، یادگیری مهارت‌های ارتباطی
نیاز اقتصادی	داشتن درآمد کافی، اجاره مسکن، حرفه آموزشی، تناسب کار و دستمزد، مخارج تحصیلی فرزندان
نیاز روانی-اجتماعی	امید در زندگی، پذیرش موقعیت، تمایل به ازدواج مجدد، دسترسی به فرصت‌های برابر، اشتغال فرزندان، نگرش مناسب جامعه، بهره‌مندی از تسهیلات رفاهی، اشتغال فرزندان، سرمایه اجتماعی، داشتن اوقات فراغت سالم، سازمان‌های حمایت کننده

^۱ - Lecompte

^۲ - Goetz

۲-۴- مهارت‌های مدیریت خانواده

خانواده تک والد با مسائل و مشکلاتی روبه روست که هم سرپرست خانوار و هم افراد تحت سرپرستی را با چالش مواجه می‌سازد. در این میان زنان سرپرست خانوار به دلیل نداشتن درآمد کافی و عدم تأمین نیازهای خانواده در مقایسه با مردان سرپرست خانوار، مشکلات بیشتری را تجربه می‌کنند. علاوه بر مشکلات اقتصادی، مسائل فرزندپروری، ایفای نقش‌های چندگانه و ازدواج فرزندان نیز از مواردی است که خانواده‌های زن سرپرست را در شرایط دشوار قرار می‌دهد.

عدم اطلاع از مهارت‌های فرزندپروری و شناخت ناکافی از تغییرات سنی، خلقی و روانی کودکان به ویژه در سنین نوجوانی که مبحث هویت و شناخت خویش و کسب استقلال از اهمیت به خصوصی برخوردار می‌شود، بحران نوجوانی را با مسائل بسیاری همراه خواهد ساخت و گذر از نوجوانی به جوانی را با آسیب مواجه می‌سازد. شناخت بحران بلوغ و تغییر و تحولات همراه با آن، اعتماد به نوجوان، ایجاد زمینه‌های استقلال و خوباوری، جایگزینی راهنمایی و مشورت با کنترل‌گری از مواردی است که زنان سرپرست خانوار نیازمند آگاهی و اطلاع از آن هستند. برای نمونه یکی از شرکت‌کنندگان در ارتباط با رفتارهای پرخطرانه فرزند نوجوانش چنین گفت: «پسرم مدام پرخاشگری می‌کنه. بددهنی میکنه. حتی به اطرافیانم توهین میکنه و من نمیدونم باید چطوری باهاش رفتار کنم؟! قبلا پسر خوبی بود اما از وقتی وارد دبیرستان شده سرکش شده و میگه مامان کاری به کارم نداشته باش ازم نخواه که این کار رو بکنم و اون کار رو نه! اما من می‌دونم اگه بالا سرش نباشم این از پس کارهاش برنمی‌یاد» (شرکت کننده شماره ۱۵)

زنان سرپرست خانوار علاوه بر مادر بودن، نقش‌های دیگری از جمله پر کردن خلأ پدری، نان آور خانواده بودن و به طور کلی مدیریت خانواده در تمام ابعاد آن را بر عهده دارند که گاه این نقش‌ها در تعارض با هم قرار می‌گیرند. «مهارت ایفای نقش‌های چندگانه» یکی از مهارت‌هایی است که لازم است این گروه از زنان بر آن آگاهی یابند و در زندگی فردی و اجتماعی به ایفای آن بپردازند. در این رابطه یکی از شرکت‌کنندگان چنین گفت: «سرپرستی بچه‌ها خیلی سخته مخصوصا اینکه هم باید براشون مادر باشم و هم جای خالی پدرشون رو پر کنم. شاید پسرم اگه یه پدر بالای سرش بود الان اینقدر با من درگیر نبود» (شرکت کننده شماره ۱۹).

«ازدواج فرزندان» از دیگر مواردی است که زنان سرپرست خانوار با آن مواجه هستند. بسیاری از زنان شرکت کننده در این مطالعه گزارش دادند که علیرغم میلشان ناچار شده‌اند که زمینه ازدواج دخترانشان را آن هم در سن پایین و بدون آگاهی از مهارت‌های زندگی و زناشویی فراهم نمایند تا هم هزینه‌های زندگیشان کمتر شود و هم اینکه یک مرد به مثابه منبع تأمین کننده نیازهای اقتصادی و اجتماعی آنچنان که در بافت فرهنگی نمونه‌های مورد مطالعه گزارش شد، در زندگی آنان حضور بهم رساند. گفته‌های یکی از شرکت‌کنندگان در همین رابطه بر این اساس بود: «سر و سامون گرفتن بچه‌ها خیلی برام مهم بود به خاطر همین مجبور شدم دخترم رو در سن پایین (۱۶ سالگی) شوهر بدم که یه مرد بالا سرش باشه. به دخترم گفتم که هر چه زودتر ازدواج کنی برات بهتره و اگه مورد خوبی پیش اومد برو سر خونه و زندگیت تا یه زندگی خوب داشته باشی. چون پیش من باشی شاید احساس کمبود کنی و من شرمندوات بشم» (شرکت کننده شماره ۹).

۳-۴- نیاز اقتصادی

یکی از مهمترین نیازهای زنان سرپرست خانوار نیاز اقتصادی است. در جامعه‌ای که خانواده‌های دارای سرپرست مرد با مشکلات اقتصادی بسیاری مواجه هستند، سرپرستی خانواده از سوی یک زن که با تبعیض‌ها و نابرابری‌هایی در محیط کاری و کسب درآمد روبه روست، بسیار دشوار می‌نماید. نیازهایی که شرکت‌کنندگان در این مطالعه بدان اشاره کردند با ذکر نقل قول‌های مرتبط بیان می‌شوند.

«تو خونه مردم کار می‌کنم، صبح تا شب جون میکنم برای چندرغاز. مجبورم، کار دیگه‌ای نیست که انجام بدم. آگه یه شغل درست و حسابی داشتم، می‌تونستم زندگی خودمو و بچه‌هامو بهتر بچرخونم اما همینم به زور گیر میاد و مجبورم با همین کار ادامه بدم» (شرکت کننده شماره ۱۱).

اما شرکت کنندگان از عدم تناسب شغل و میزان حقوق خبر دادند. بسیاری از آنان در محیط‌هایی مشغول به فعالیت هستند و کمتر از میزان فعالیت‌ها و ساعات کاری تعیین شده دستمزد دریافت می‌کنند. تعدادی از آنان اظهار نمودند تناسب کار و دستمزد در روزهای ابتدایی اشتغال به کار از سوی کارفرمایان رعایت شده است اما به تدریج و با گذر زمان ساعات کاری با همان حقوق سابق افزایش یافته است. «خیلی جاها ازم سوء استفاده میشه، چون زخم یا حقوق کمتری بهم میدن یا اینکه کم کم ازم میخوان مسئولیت‌های بیشتری قبول کنم اما بدون افزایش حقوقم. منم گاهی مجبور میشم برخلاف میلم کار کنم چون مشکلات مالی زیادی دارم» (شرکت کننده شماره ۱).

مشکل مسکن مناسب نه تنها برای کل افراد جامعه بلکه برای زنان سرپرست خانوار نیز مشکلی جدی به شمار می‌آید. تعدادی از زنان مطلقه سرپرست خانوار پس از طلاق در خانواده خود پذیرش می‌شوند و در این زمینه با مشکل خاصی مواجه نیستند اما آن عده از زنانی که به صورت مستقل و بدون داشتن سرمایه کافی زندگی می‌کنند مشکلات عدیده‌ای در این زمینه دارند. گفته‌های یکی از شرکت کنندگان در این زمینه چنین بود: «بخش زیادی از درآمد رو باید برای اجاره خونه کنار بذارم. خیلی سخته و الان چند ماهه اجاره خونم به تعویق افتاده و نتونستم پرداخت کنم» (شرکت کننده شماره ۱۴).

نیاز به مهارت و حرفه‌آموزی از دیگر نیازهای گزارش شده زنان شرکت کننده در این مطالعه بود: «دوره خیاطی میرم. دارم سعی می‌کنم یه مدرک بگیرم تا بتونم خیاطی کنم و هزینه‌هامو تأمین کنم. باید خودم روی پای خودم بایستم. توی این دوره زموئه نباید از کسی هیچ انتظاری داشت» (شرکت کننده شماره ۱۰).

«تأمین مخارج تحصیلی» از دیگر نیازهای شرکت کنندگان در این مطالعه گزارش شد. هزینه‌های جاری تحصیل، دوره‌های آموزشی تقویتی با هزینه‌های گزاف از عهده مادران سرپرست خانوار خارج است و آنان را برای تأمین این هزینه‌ها در محدودیت قرار داده است و یا اینکه بسیاری اوقات ناچارند به دلیل محرومیت‌های مالی از شرکت فرزندان‌شان در این دوره‌ها خودداری کنند. نقل قول زیر در همین رابطه ارائه می‌شود. «هزینه تحصیلی بچه‌هام خیلی زیاده. مخصوصاً اینکه باید کلاس‌های مختلف شرکت کنن و من درآمد آنچنانی ندارم. کلاس‌های کنکور، کلاس زبان، کلاس تقویتی ریاضی و ... مگه من چقدر درآمد ماهانه دارم که بخوام بچه‌هامو در این کلاس‌ها ثبت نام کنم؟» (شرکت کننده شماره ۱۷).

۴-۴- نیاز آموزشی

یکی از نیازهایی که شرکت کنندگان در این مطالعه گزارش دادند، نیازهای آموزشی بود. آموزش زنان یکی از مهمترین شاخص‌های توسعه در هر جامعه‌ای به حساب می‌آید. جامعه‌ای که زنان آگاه و آموزش دیده دارد کودکان سالم و خانواده سالم نیز دارد. داشتن سواد کافی، آگاهی از مسائل زنانه و بهداشت فردی، یادگیری مستمر، مهارت‌های حل مسأله، مهارت‌های مقابله با استرس و مهارت‌های ارتباطی از جمله نیازهایی بود که بدان اشاره شد.

داشتن سواد کافی و توانایی خواندن و نوشتن نیاز بسیاری از شرکت کنندگان در این مطالعه بود. عصر امروز عصر اطلاعات است و افراد برای پیشبرد امور فردی و اجتماعی خود از هر نظر نیازمند مهارت‌های خواندن و نوشتن هستند. بسیاری از شرکت کنندگان در این مطالعه بیان کردند که بدون داشتن سواد حتی در کسب ساده‌ترین مشاغل هم با مشکل روبه‌رو هستند. در همین رابطه یکی از شرکت کنندگان چنین گفت: «تو این دوره زمونه سواد نداشته باشی، به هیچ دردی نمی‌خوری. آگه سواد خوندن نوشتن داشتی، حداقل می‌تونستم یه کاری برای خودم پیدا کنم. اما دنبال هر کاری که می‌رم قبل از هر چیز می‌گن سواد داری؟» (شرکت کننده شماره ۲).

آگاهی از بهداشت فردی و مسائل زنانه یکی از نیازهای ضروری است که در صورت آگاهی، زنان واکنش بهتری در برابر تغییرات جسمانی که بر حسب افزایش سن و سایر شرایط ایجاد می‌گردد را خواهند داشت و راهبردهای گزیده‌تری در مقابل آن اتخاذ می‌کنند. برای نمونه عدم آگاهی برخی از زنان شرکت کننده در این مطالعه از دوران یائسگی و علائم جسمانی و روانی آن افکار نگران کننده‌ای را در آنان ایجاد کرده بود که خود زمینه ساز مسائل دیگری می‌گردد. برای مثال شرکت کننده‌ای چنین گفت: «مدتی یائسه شدم اما نمی‌دونم چرا حالم بده و مدام عصبی و کسلم. دکترم میگه چیزی نیست برطرف میشه. پس کی برطرف میشه؟ نکنه یه بیماری خطرناک داشته باشم و دکتر تشخیص نمیده؟» (شرکت کننده شماره ۱۸).

انسان در تمام طول زندگی خود نیازمند آموزش است. یکی از ویژگی‌هایی که آموزش را مفید می‌سازد استمرار و پایداری آن است و در صورتی مداومتی بر آن نباشد، گویی آموزشی هم صورت نگرفته است. در همین خصوص شرکت کنندگان چنین گزارش دادند: «مدتی در کلاس آموزش بزرگسالان ثبت نام کردم کلاس اول و دوم رو خوندم و بعد به خاطر مشکلات نتونستم ادامه بدم و دیگه پیگیر هم نشدم. الان چیز زیادی یادم نمونده و باید به کمک یکی دوباره درس‌ها رو مرور کنم» (شرکت کننده شماره ۱۷)

مهارت حل مسأله از نیازهای ضروری برای هر فردی است که در طول زندگی خود با مسائل بسیاری مواجه است. آگاهی از روش‌های حل مسأله و توانایی برخورد با آن از نیازهای دیگری است که گزارش شد. یکی از شرکت کنندگان در مورد داشتن مشکلات بسیار و عدم توان مهارت‌های حل مسأله چنین گفت: «مشکلات زیادی دارم اصلاً نمی‌دونم چه جور باید این همه مشکل رو حل کنم. مشکلات مالی، بچه‌ها، اعصاب خوردی‌های خودم... یعنی به این همه مشکل فکر می‌کنم سرم گیج میره واقعا» (شرکت کننده شماره ۷).

شرکت کنندگان از مهارت مقابله با استرس سخن گفتند. احساس فشار و تنش در زندگی روزمره و عدم کنترل آن باعث ایجاد بیماری‌های روانی در افراد می‌گردد و تا زمانی که منبع استرس شناخته نشود و مهارت مقابله با آن وجود نداشته باشد، بیماری نیز رفع نمی‌گردد. گفته‌های یکی از شرکت کنندگان در این خصوص چنین بود: «مدام استرس دارم. هر چی دکتر می‌رم و از سر دردهای شدیدم برایشون میگم دیگه فایده نداره می‌گن باید استرس رو از خودت دور کنی. آخه چه طوری با این همه مشکل و گرفتاری میشه استرس رو دور کرد؟!» (شرکت کننده شماره ۱۹)

یادگیری مهارت‌های ارتباطی زنان سرپرست خانوار را یاری می‌رساند تا روابط خود را بهبود بخشند و از این طریق تعارضات و اختلافات خود را حل نمایند. در همین خصوص یکی از شرکت کنندگان در مورد عدم ارتباط نزدیک با اطرافیان چنین گفت: «با همسایه‌هامون خیلی در ارتباط نیستیم حتی ارتباط خانوادگی چندانی هم نداریم اما گاهی دلم می‌خواد که به فامیلای نزدیکمون سر بزنم اما تا حالا اقدام نکردم. کلا ما خونواده‌ای بودیم که در گذشته هم ارتباط چندانی با اطرافیانمون نداشتیم. اما احساس میکنم خوبه که آدم بتونه با نزدیکانش در ارتباط باشه و اختلافات گذشته رو فراموش کنه» (شرکت کننده شماره ۸).

۴-۱- نیازهای روانی - اجتماعی

نیاز به پذیرش شرایط و موقعیت، امید در زندگی، آرامش فکری و تمایل به ازدواج مجدد از مواردی بود که زنان حاضر در این مطالعه به عنوان نیاز روانی از آن نام بردند. در خصوص نیاز به پذیرش موقعیت یکی از شرکت کنندگان چنین گفت: «گاهی زندگی طوری پیش میره که هر چی تلاش کنی نمی‌تونی به اونچه که میخوای برسی، این مواقع باید کوتاه بیای و تسلیم بشی. باید قبول کنیم که انسانیم و خیلی جاها کاری ازمون ساخته نیست. من هم در حد توانم می‌تونم این زندگی رو حفظ کنم و به بچه‌هام برسم و آگه یه جاهایی کم آوردم کوتاه می‌یام و شرایط رو همینطور که هست قبول می‌کنم» (شرکت کننده شماره ۴).

اما شرکت کننده دیگر از داشتن «امید» در زندگی سخن گفت. از منظر او داشتن امید در زندگی یکی از مهترین سرمایه‌های انسانی است و چنانچه فردی دارای آن باشد با توان و قدرت به زندگی ادامه خواهد داد. او چنین می‌گوید: «زندگی خیلی سختی داشتم اما نا امید نمیشم و سعی می‌کنم بازم با قدرت ادامه بدم به خاطر پسرم هم که شده باید امیدوم رو از دست ندم و محکم باشم. به هر حال زندگی پر از سختی و مشکلاته حالا برای یکی بیشتر برای یکی کمتر اما آگه امیدت رو از دست ندی زندگی رو بردی» (شرکت کننده شماره ۳).

آرامش فکری و درونی از دیگر نیازهای روانی شناسایی شده در این مطالعه بود. یکی از شرکت کنندگان در این خصوص چنین گفت: «به نظرم آرامش مهمتر از هر چیزیه. گاهی پیش میاد که در زندگی مشکلی ندارم و خدا رو شکر کارها خوب پیش میرن اما باز آروم نیستم و همش نگرانم. به خودم میگم چته الان که مشکلی نداری؟! اما نمیدونم چرا همش ناآروم» (شرکت کننده شماره ۱۳).

ازدواج مجدد یکی دیگر از نیازهای زنان سرپرست خانوار است که در جامعه ایرانی با چالش‌های بسیاری همراه است. بسیاری از زنان سرپرست خانوار در صورتی که گزینه مناسبی در پیش رو داشته باشند تمایل دارند دیگر بار ازدواج نمایند اما این اقدام با چالش‌هایی از قبیل وجود فرزندان و تمایل به سرپرستی آنان بعد از ازدواج و یا مخالفت فرزندان به ازدواج مجدد والد همراه است. برای نمونه یکی از شرکت کنندگان در ارتباط با ازدواج مجدد و سرپرستی فرزندش چنین گفت: «آگه موقعیت خوبی پیش بیاد حتما ازدواج می‌کنم مخصوصا اینکه میخوام بچه‌ام رو هم پیش خودم نگه دارم که این یه خورده ازدواجم رو با مشکل روبه رو کرده چون وقتی حرف این پیش میاد که میخوام بچه‌ام پیش خودم باشه یه جورایی روی خوش نشون نمیدن» (شرکت کننده شماره ۱۰).

اما شرکت کننده دیگر در مورد مخالفت فرزندش با ازدواج چنین گفت: «من یه پیشنهاد ازدواج داشتم با مردی که دو تا پسر داره و تقریبا همسن و سال پسرم هستن، اما پسرم به شدت مخالفت می‌کنه و می‌گه من هرگز حاضر نیستم مرد دیگه‌ای رو به جای پدرم قبول کنم و آگه ازدواج کنی من دیگه باهات زندگی نمی‌کنم و از اینجا میرم. منم از ترس اینکه مبادا پسرم کاری از سر بزنه منصرف شدم» (شرکت کننده ۱۸)

منظور از نیازهای اجتماعی از منظر زنان شرکت کننده در این مطالعه، نیازهایی است که مربوط به افراد، گروه‌ها و سازمان‌هایی است که با زنان سرپرست خانوار در ارتباط قرار دارند. از جمله سازمان‌های ارائه دهنده خدمات، شبکه دوستان و آشنایان و از این قبیل. در صورتی که نیازهای اجتماعی زنان سرپرست خانوار تأمین نگردد فرصت مشارکت در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی، ایجاد شبکه حمایتی گسترده و به تبع آن سرمایه اجتماعی این گروه از زنان در جامعه در معرض چالش قرار خواهد گرفت.

نگرش مناسب جامعه نسبت به زنان سرپرست خانوار که دارای تجربه طلاق نیز هستند، از نیازهای مطرح در برخی از مصاحبه‌ها بود. منظور از نگرش مناسب جامعه، ارزش و اعتبار و احترام اجتماعی قائل شدن برای این گروه از زنان است به طوری که آنان با برچسب‌های اجتماعی و نگاه‌های معنادار و طرد اجتماعی در جامعه مواجه نشوند. یکی از شرکت کنندگان در همین خصوص چنین گفت: «جامعه به یه زن مطلقه

خوب نگاه نمی‌کنه. خیلی از مردها تا می‌فهمن طلاق گرفتی سریع افکار شومشون رو به زبون میارن. خیلی‌های دیگه هم فکر می‌کنن که زن مطلقه یه زن خرابه که باید ازش دوری کرد» (شرکت کننده شماره ۱۴).

دسترسی به فرصت‌های برابر شغلی از دیگر نیازهای مهم زنان سرپرست خانوار در برخی از مصاحبه‌ها گزارش شد. فرصت اشتغال برابر نه تنها برای زنان سرپرست خانوار بلکه برای بسیاری از افراد جامعه مسأله‌ای قابل تأمل است و این مسأله برای این گروه از زنان دشواری‌های خاصی به همراه دارد. یکی از شرکت کنندگان چنین گفت: «من فقط یه شغل آبرومند با حقوق خوب می‌خوام. نمی‌خوام کسی به من پول بده یا کمک کنه می‌خوام خودم کار کنم اما پیدا کردن کار خوب برای زن مطلقه خیلی سخته یا شرایط خاص میذارن یا حقوق کمتری میدن» (شرکت کننده شماره ۷).

اما بهره‌مندی از تسهیلات رفاهی از دیگر نیازهای زنان سرپرست بود. مصاحبه شوندگان از داشتن مسکن نامناسب با کمترین امکانات بهداشتی و رفاهی خبر دادند. تعدادی از این زنان در منازلی سکونت دارند که نه تنها محل مناسبی برای اقامت نیست بلکه سلامت آنان و فرزندانشان را نیز در معرض خطر قرار می‌دهد. «قبل از طلاق زندگی خوبی داشتیم اما الان به سختی دارم زندگی خودم و دخترمو تأمین می‌کنم. توی یه اتاق کوچیک زندگی می‌کنیم که نم و رطوبت داره و همه چیمون تو این اتاقه آشپزخونه، حموم و دستشویی. هیچ نوع امکانی برای یه زندگی سالم نداریم اما مجبوریم با همین شرایط ادامه بدیم» (شرکت کننده شماره ۱۱).

بخش زیادی از زندگی افراد صرف فعالیت‌های اجتماعی و کار و مشغله‌های روزمره زندگی می‌گردد. داشتن اوقات فراغت بر عملکرد فرد و جامعه تأثیر مثبت برجای می‌گذارد و غفلت از آن نیز خسارتی را بر پیکر جامعه وارد می‌سازد. مصاحبه شوندگان در این مطالعه از نداشتن اوقات فراغت و امکان تفریح و شادی خبر دادند. تعدادی از آنان اظهار نمودند که پرداختن به مشکلات اقتصادی و خانوادگی فرصت آسایش و فراغت و تفریح را از آنان سلب نموده است. نقل قول یکی از شرکت کنندگان در این خصوص ارائه می‌شود. «خسته‌ام، خیلی خسته. دلم می‌خواد برای مدتی برم مسافرت و از این همه مشکل و بدبختی دور بشم اما مگه بعد از مردنم اینو ببینم. نه وقت مسافرت دارم نه پول و امکاناتشو» (شرکت کننده شماره ۸).

«اشتغال فرزندان» در شرایط کنونی جامعه و با افزایش تورم و مشکلات اقتصادی از دغدغه‌های مهم جوانان و خانواده‌هایشان است. به ویژه جوانانی که فاقد حداقل سرمایه، حمایت خانوادگی و مهارت‌های حرفه‌ای در ورود به بازار کار هستند مسائل پیچیده‌تری دارند. در همین خصوص گفته یکی از شرکت کنندگان قابل تأمل است. «پسرم ۲۳ سالشه اما هنوز کار درست و حسابی نداره و من نمی‌تونم کاری براش بکنم. بدون سرمایه هم که همیشه وارد بازار کار شد. به خاطر همین میره کارگری می‌کنه. اما با کارگری که همیشه زندگی رو چرخوند. اینم جوونه به هر حال باید یه روزی سر و سامون بگیره» (شرکت کننده شماره ۱۹).

سازمان‌های حمایت کننده

در ایران سازمان اصلی متولی خدمات به زنان سرپرست خانوار، سازمان بهزستی است. این سازمان خدمات متنوعی را در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و آموزشی به مراجعین خود ارائه می‌دهد. اما با توجه به حجم بالای نیازهای زنان سرپرست خانوار میزان این حمایت‌ها و خدمات ارائه شده کافی نیستند. در این مطالعه شرکت کنندگان از نحوه ارائه وام سخن گفتند. یکی از شرایط دریافت وام برای زنان سرپرست خانوار، داشتن ضامن بانکی است که برای بسیاری از این زنان به دلیل محدودیت شبکه اجتماعی این امکان وجود ندارد و همین امر امکان بهره‌مندی از این دریافت وام را متفی می‌سازد. نقل قول زیر در همین خصوص ارائه می‌شود. «بهزیستی هم که می‌خواد بهمون وام بده ضامن می‌خواد و من

ندارم از کجا ضامن بیارم. اینا به این فکر نمی کنن که کی حاضر ضامن به زن تنها بشه؟! خوب آگه میخوان وام بدن یا هر کمک دیگه ای بکنن طوری باشه که مشکلات ما رو بیشتر نکنه» (شرکت کننده شماره ۶).

«سرمایه اجتماعی» و بهره‌مندی از شبکه روابط حمایتی خانواده و دوستان یکی از نیازهای ضروری برای هر فردی است. به گفته برخی از مصاحبه شونده‌گان در این مطالعه، عدم ارتباط با خانواده و خویشاوندان، شرایطی را برای آنان ایجاد نموده است که در موقعیت‌های دشوار منبع حمایتی خاصی ندارند. شرکت کننده‌ای در این باره چنین گفت: «با خانواده خودم که ارتباط چندانی ندارم. از اطرافیانم هم کسی نیست که موقع گرفتاری کمکمون کنه. یکی دو بار نیاز شدید به پول داشتم از چند نفر از فامیلامون خواستم اما هیچکس هیچ کمکی بهم نکرد» (شرکت کننده شماره ۱۶).

۵- نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر با هدف شناسایی نیازهای زنان سرپرست خانوار که دارای تجربه طلاق بودند انجام گرفت. یافته‌های حاصل از مصاحبه نیمه ساختاریافته با روش تحلیل محتوا تجزیه و تحلیل شد. شرکت کنندگان در این مطالعه گزارش دادند که دارای نیازهای اقتصادی، روانی-اجتماعی، خانوادگی و آموزشی متنوعی هستند که به گونه‌ای در هم تنیده شده‌اند و به یکدیگر مرتبط هستند. زنان سرپرست خانوار به تنهایی مسئولیت‌هایی چون کسب درآمد، مدیریت اقتصادی، مراقبت از فرزندان، رسیدگی به کارهای خانه و غیره را بر عهده دارند. آنان همچنین با عوامل آسیب‌زایی چون تبعیض‌های فرهنگی، عدم دسترسی به فرصت‌های شغلی، بی‌سوادی و کم سوادی، محدودیت‌های قانونی، رفاهی و اجتماعی و نیز فشارهای روانی مواجه هستند (ادریسی و حاتم‌وند، ۱۳۹۱: ۹۸). عنایت به اینکه این گروه از زنان دارای نیازهای متعددی هستند اما به نظر می‌آید بیشترین نیاز آنان نیازهای اقتصادی باشد از این رو در بین عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار بالاترین میزان مربوط به توانمندسازی اقتصادی است (کرمانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴۳ / قلی‌پور و همکار، ۱۳۸۸: ۵۴). با توجه به شرایط اقتصادی حاکم بر جامعه در صورتی که زمینه توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار هموار گردد، بسیاری از نیازهای دیگرشان در سایه وجود منابع اقتصادی از جمله نیاز به اوقات فراغت، نیاز به درمان و بهداشت فردی، مخارج مسکن، مخارج تحصیلی فرزندان و ... برطرف می‌گردد. این در حالی است که زنان سرپرست خانوار به دلیل نقش‌های متعدد نسبت به زنان هم طراز خود، تحصیلات کمتری دارند و نسبت با سوادی در بین آن‌ها پایین است که خود مشکلات دیگری به وجود می‌آورد از جمله این که این زنان به دلیل نیاز مالی به دنبال شغل هستند اما با توجه به پایین بودن سطح سواد شغل مناسبی نمی‌یابند و یا به مشاغل حاشیه‌ای، نیمه وقت، غیر رسمی و کم درآمد اشتغال دارند؛ از این رو مهارت-آموزی از اقداماتی است که می‌تواند آمادگی آنان را برای اشتغال فراهم نماید (قلی‌پور و همکار، ۱۳۸۸: ۵۳). عدم آشنایی به حرفه، نداشتن سواد کافی و دسترسی به فرصت‌های برابر شغلی مانند مردان، موانعی برای توانمندسازی زنان سرپرست خانوار فراهم می‌کند (فروزان و بیگلریان، ۱۳۸۲: ۵۴). آزاده و تافته (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای به این نتیجه دست یافتند که زنان سرپرست خانوار به گونه‌ای دارای تجربه افسردگی، احساس نابرابری و فشار روحی، احساس طرد شدگی، بی‌انصافی و غم هستند. غلبه روحیه منفی و تجربیات ناخوشایند در کنار محرومیت‌های اساسی، به دلیل فشار و هجوم باورهای فرهنگی و کلیشه‌های جنسیتی این گروه از زنان را در شرایط نامناسبی از پذیرش اجتماعی قرار داده است (آزاده و تافته، ۱۳۹۴: ۵۵). زنان سرپرست خانوار توانمندی روانی کمتری دارند و مشکلات عاطفی آنان بیشتر در ارتباط با آسیب‌های روحی و قربانی شدن می‌باشد (بلداجی، ۱۳۸۹: ۲۲). زنان سرپرست خانوار به علت تعدد نقش (خانه‌داری، نقش اقتصادی و مراقبت‌های جسمی و هیجانی از اعضای خانواده) استرس و مشکلات روانی مختلفی را تجربه می‌کنند (سومر ۱۹۶۹ به نقل از بلداجی، ۱۳۸۹: ۲۲) و هر اندازه میزان مسئولیت‌های آنان افزایش یابد، افسردگی نیز بیشتر می‌شود (کاشانی‌نیا و علیا، ۱۳۹۱: ۳۹۸).

فقر، فقدان حمایت‌های اجتماعی و نگرش منفی باعث فشار و تنش، فرسودگی و احساس ناتوانی در این گروه از زنان می‌شود و این منجر به بروز اختلالات روانشناختی شده و آنان را مستعد پذیرش دیگر آسیب‌های اجتماعی می‌کند. این گروه از زنان رضایت چندانی از گذران اوقات فراغت خود نداشته و این امر با کیفیت زندگی آنان ارتباط بسیار زیادی دارد. اما داده‌ها نشان می‌دهد که زنان سرپرست خانوار قربانیان منفعل فقر نیستند و با تلاش‌های شخصی و حمایت‌های خانوادگی و دولتی بر مشکلات خود فائق می‌آیند (مومنی‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۰۵).

یافته‌های این مطالعه بر اهمیت تأمین نیازهای زنان سرپرست خانوار در ابعاد مختلف تأکید دارد که در راستای آن توانمندسازی این گروه از جامعه را شاهد خواهیم بود. توانمندسازی فرآیند توسعه ظرفیت افراد با هدف مشارکت فعالانه در شکل‌دهی زندگی فردی و اجتماعی افراد در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است (آژانس توسعه اتریش^۱، ۲۰۱۰: ۵). در میان نشانگرهای توانمندسازی زنان، آموزش مهمترین شاخص محسوب می‌شود. آموزش دختران و زنان میزان تصمیم‌گیری و قدرت در امور زندگی را بالا می‌برد. آموزش مادران در مقایسه با پدران، تأثیر بیشتری بر حفظ امنیت کودکان دارد (چانگ و همکاران، ۲۰۱۳: ۹). قلی‌پور و رحیمیان (۱۳۸۸) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که زنان سرپرست خانوار به دلیل داشتن نقش‌های متعدد (مادری، همسری، خانه‌داری و نقش اقتصادی) فرصت آموزش ندارند و معمولاً در مقایسه با دیگر زنان از تحصیلات کمتری برخوردارند از این رو آموزش تأثیر مثبتی بر خانواده آنها دارد. قلی‌پور خاطر نشان کرد که بزرگترین مشکل این زنان مشکلات اقتصادی است و توانمندسازی آنان می‌تواند برای کاهش این مشکل مفید واقع گردد. توجه به آموزش، کلید توانمندسازی زنان در جهت افزایش آگاهی و امکان رسیدن به رشد اقتصادی و سلامت کودکان است. از این رو آموزش همگانی در بسیاری از کشورهای توسعه یافته برای سال‌های متمادی، به عنوان هدفی اصلی در نظر گرفته شده است (دیسای، ۲۰۱۰: ۱۴). توانمندسازی که شامل تغییر و حرکت به سمت برابری جنسیتی است و به طور کلی در بردارنده هر نوع تغییر مثبت در وضعیت زنان است بر افزایش درآمد زنان که به عنوان توانمندسازی اقتصادی و مشارکت آنان در تولید اقتصادی تعریف شده است، بسیار تأکید دارد (وایت^۲، ۲۰۱۰: ۳۳۶).

با توجه به یافته‌های حاصل از این مطالعه زنان سرپرست خانوار دارای نیازهای متعددی در ابعاد مختلف هستند و هر کدام از مفاهیم به دست آمده در این مطالعه حاکی از بعد وسیعی از نیازهای این گروه از زنان است که پاسخ مطلوبی بدان داده نشده است. عدم پاسخگویی به نیازهای معمول و قانونی هر قشر از جامعه زمینه ساز معضلات و نابسامانی‌های بیشتری در جامعه می‌شود. شناخت نیازهای زنان سرپرست خانوار مسیر را برای انجام اقدامات و مداخلات حرفه‌ای هموار می‌سازد تا در سایه آن زمینه مشارکت همه جانبه و توانمندسازی آنان در تمام ابعاد مختلف اقتصادی، روانی و اجتماعی فراهم گردد.

تشکر و قدردانی: نویسندگان مطالعه حاضر از همکاری کلینیک مددکاری اجتماعی معراج در شهرستان بندر انزلی و کلیه زنان شرکت کننده که بدون همراهی و مشارکت آنان، انجام این مطالعه غیر ممکن بود، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نمایند.

مراجع

۱. آزاده، منصوره اعظم. تافته، مریم (۱۳۹۴). روایت زنان سرپرست خانوار از موانع شادمانی. مطالعات زن و خانواده، ۳(۲): ۳۳-۶۰.
۲. ادیسی، ا. حاتم‌وند، ز. (۱۳۹۱). بررسی مکانیزم تأثیرگذاری و اشتغال بر کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار. پژوهش نامه علوم اجتماعی، ۶(۳): ۹۷-۱۲۷.

^۱ -

^۲ - White

۳. بلداجی، ام لیلا تاتینا. فروزان، آمنه. رفیعی، حسن (۱۳۸۹). کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور و زنان شاغل خدماتی. فصلنامه رفاه اجتماعی ۱۱(۴۰): ۹-۲۸.
۴. پایگاه خبری تحلیل خانواده و زنان (۱۳۹۳). آخرین وضعیت زنان سرپرست خانوار از زبان رئیس پژوهشکده آمار. کد خبر ۱۱۱۲۱، <http://mehrkhaneh.com>
۵. پین، مالکوم (۱۹۴۷). مددکاری و مراقبت اجتماعی. مترجم: زواره‌ای، فاطمه. تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ اول.
۶. حسینی، سید وحید. انوشه، منیره. عباس زاده، عباس. احسانی، م (۱۳۹۳). شرایط علی مؤثر بر گرایش دختران نوجوان به انجام فعالیت‌های ورزشی. مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت، ۳(۴): ۳۳۱-۳۳۹.
۷. حسینی، سید احمد. فروزان، ستاره. امیر فریار، معصومه (۱۳۸۸). بررسی سلامت روان زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی شهر تهران. فصلنامه پژوهش اجتماعی، ۲(۳): ۱۱۷-۱۳۷.
۸. خسروان، شهلا. صالحی، شایسته. احمدی، فضل اله. منصوریان، محمدرضا. تجربه زنان بیوه سرپرست خانواده از تغییر نقش: مطالعه کیفی. تحقیقات کیفی در علوم سلامت، ۲(۱): ۶۲-۷۵.
۹. سیرتی نیر، مسعود. عبادی، عباد. فلاحی خشک‌ناب، مسعود. تولایی، عباس (۱۳۹۱). پیامدهای زندگی با اختلال استرس پس از ضربه: یک مطالعه کیفی. مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت، ۱(۲): ۹۲-۱۰۱.
۱۰. شجاعی، محمد صادق (۱۳۸۶). نظریه نیازهای معنوی از دیدگاه اسلام و تناظر آن با سلسله مراتب نیازهای مازلو. دو فصلنامه مطالعات اسلام و روانشناسی، سال ۱(۱): ۸۷-۱۱۶.
۱۱. شریفی، محمد امین. اسدی، علی. کلانتری، خلیل. آگهی، حسین (۱۳۸۹). تعیین عوامل مؤثر در تحقق خودکفایی زنان سرپرست خانوار. فصلنامه مطالعات اجتماعی- روانشناختی زنان، ۸(۴): ۱۲۱-۱۴۱.
۱۲. قلی‌پور، آرین. رحیمیان، اشرف (۱۳۸۸). رابطه عوامل اقتصادی، فرهنگی و آموزشی با توانمندسازی زنان سرپرست خانوار. فصلنامه رفاه اجتماعی ۱۱(۴۰): ۲۹-۶۲.
۱۳. فروزان، ستاره. بیگلریان، اکبر (۱۳۸۲). زنان سرپرست خانوار: فرصت‌ها و چالش‌ها. فصلنامه پژوهشی زنان، ۱(۵): ۳۵-۵۸.
۱۴. کاشانی نیا، زهرا. علیا، زهرا (۱۳۸۸). عوامل ساترس‌زا و رابطه آن‌ها با کیفیت زندگی زنان سرپرست خانواده، دویمین همایش توانمندسازی و توان افزایی زنان سرپرست خانوار، اداره کل امور بانوان شهرداری تهران، ۳۹۱-۴۰۱.
۱۵. کرمانی، م. مظلوم خراسانی، م. بهروان، ح. توغانی، م (۱۳۹۱). عوامل مؤثر بر توانمندی زنان سرپرست خانوار. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱۴(۳): ۱۱۶-۱۴۸.
۱۶. مومنی‌زاده، ندا (۱۳۹۳). تحلیل مقایسه‌ای در خصوص زنان سرپرست خانوار. مجله اقتصادی ۳ و ۴: ۹۵-۱۲۰.
17. Austria Development Agency (2010). Gender Equality and Empowerment of Women. www.entwicklung.at: 1-23
18. Chung, Bui. Kantachote, Kulvatee. Mallick, Asmah. Polster, Rachel. Roets, Kelsey. (2013). Indicators of Women's Empowerment in Developing Nations. ? : 1- 85.
19. Desai, Manisha (2010). Hope in Hard Times: Women's Empowerment and Human Development. United Nations Development Programme, Human Development Report.
20. Horrell, Sara. Krishnan, Pramila (2006). Poverty and Productivity in Female-Headed Households in Zimbabwe. *Journal of Development Studies*: 1-31.
21. Illich, Ivan (1991). Needs. www.Davidtinapple.Com.
22. Eastern Access Community Health (2009). What Are The Types of Needs? WWW. Each.com. au.
23. Fuwa, Nobuhiko (2000). The Poverty and Heterogeneity Female Headed Households Revisited: The Case of Panama. *World Development*, 28(8): 1-47.
24. Gandotra, Veena. Thakur Jha, Majula (2003). Female-Headed Households: A Database of North Bihar. *Journal social science*, 7(4): 315-321.

25. Graneheim, UH. Lundman, B (2004). Qualitative Content Analysis in Nursing Research: Concepts, Procedures and Measures to Achieve Trustworthiness. *Nurse Education Today*, 24: 105-112.
26. Khalid, Umer. Akhtar, Sajjad (2011). Poverty Dynamics of Female-Headed Households in Pakistan: Evidence from PIHS 2000-01 and PSLM 2004- 05. Pakistan Institute of Development Economics Islamabad: 1-16.
27. Lecompte, M.D & Goetz, J.P (1982). Problems of Reliability and Validity in Ethnographic Research. *Review of Educational Research*; 52(1): 31- 60.
28. White, Sarah. C. (2010). Domains of Contestation: Women's Empowerment and Islam in Bangladesh. *Women's Studies International Forum*, 33: 334- 344.